

کتاب رایگان · FREE EBOOK

واژگان: دقت در استفاده صحیح، مهم‌تر از استفاده از کلمه‌های قلمبه سلمبه هست

Vocabulary (Lexical Resource): Precision Over Rarity

Farhad Mirsaeedi · farhadmirsaeedi.com

واژگان: دقت در استفاده صحیح، مهم‌تر از استفاده از کلمه‌های قلمبه سلمبه هست

یه عمر از دوست‌هاش شنیدی که کلمه‌ی خفن استفاده کردن، مساویه با نمره‌ی بالا گرفتن تو آیلتس، پس افتادی دنبال ۵۰۴ و GRE و لیست کنکور. ولی Lexical Resource «اندازه دایره لغت» رو نمره نمی‌ده. examiner یه کلمه معمولی که دقیق نشسته رو بالاتر از یه کلمه نادر که شکسته‌ست می‌بینه. بذار نشونت بدم نمره واقعاً کجاست.

در این کتاب

- ← 01 واژگان، نصفِ نمره توئه
- ← 02 examiner واقعاً چی رو می‌شماره
- ← 03 Range ضربدر Accuracy، نه جمع
- ← 04 collocation: تلاشت رو بکن یه عبارت بسازی، نه صرفاً یه کلمه پیشرفته
- ← 05 چهار stage تسلط به یه کلمه
- ← 06 سه بازنویسی ایرانی — Band 6 به ۷
- ← 07 پنج تا اشتباه پرتکرار و اون یه عادت

واژگان، نصفِ نمرهٔ توئه

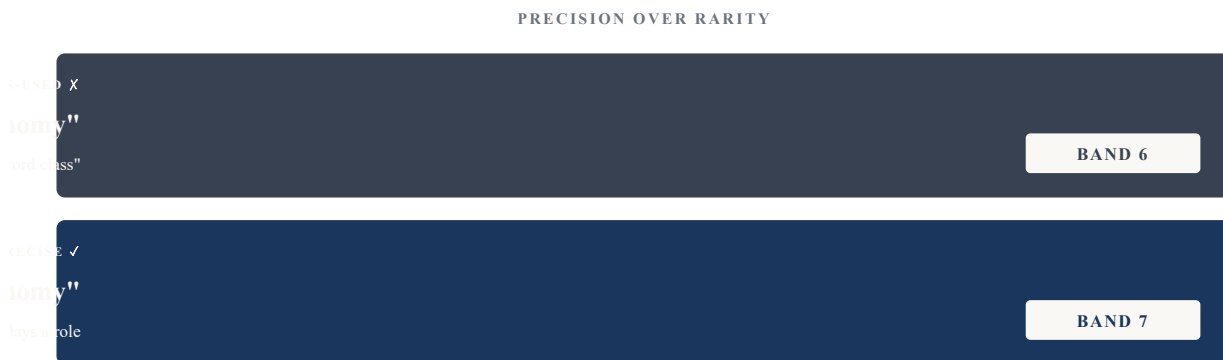
Lexical Resource به چهارمِ Speaking و به چهارمِ Writing. و بیشترِ بچه‌ها برعکس می‌خوننش — دنبالِ کلمهٔ بزرگ‌ترن، وقتی examiner کلمهٔ به‌تراستفاده‌شده رو نمره می‌ده.

بذار رک باشم، چون این عددها رو کسی بهت نگفته. واژگان به criterion و که تو دو تا paper نمره می‌گیره — هم Speaking، هم Writing. یعنی اگه فقط همینجا نصف نمره جلو بیفتی، روی هم می‌شه به band کامل overall. این فاصلهٔ بین ۵.۵ و ۶.۵. همون قدر که گرامر برات وزن داره.

حالا قسمتِ تلخش. این نصف نمره رو همین الان داری به سادگی از دست می‌دی، چون داری برای به چیزی تلاش می‌کنی که اصلاً نمره نداره. تو نشستنی ۵۰۴ حفظ کردی، GRE دک زدی — و هیچ‌کدومِ اینها «اندازهٔ دایرهٔ لغت» رو به نمره تبدیل نمی‌کنه، چون Lexical Resource اندازه رو نمی‌شماره.

خبرِ خوب؟ این به ضعفِ ذاتی نیست. به عادتِ غلطه که از لیست‌فرهنگیِ مدرسه و کنکور بهت ارث رسیده. و عادت همیشه قابلِ اصلاح هستش.

FIGURE 01 — PRECISION OVER RARITY



SAME IDEA · OPPOSITE SCORES · PRECISION WINS

به ایده، دو تا نمره. بالا کلمهٔ نادر بد نشستنه — examiner کم می‌کنه. پایین همون ایده با کلمهٔ معمولی، دقیق — examiner بالا می‌بره. تلاشِ یکسان، نمرهٔ مخالف.

examiner واقعاً چی رو می‌شماره

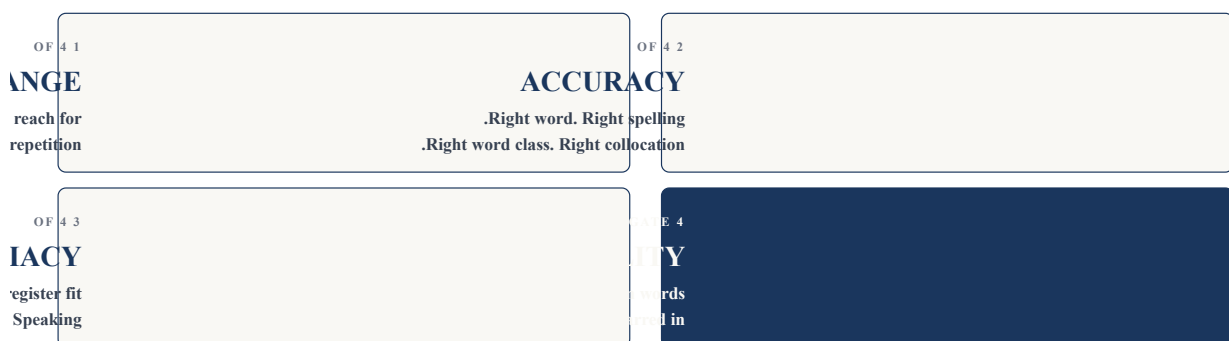
ذهنیتی که با خودت میاری: «دایره لغتِ بزرگ‌تر برنده‌ست». واقعیت: examiner چهار چیز رو می‌شماره — و هیچ‌کدومش «اندازه» نیست.

چند سال پیش یه دانشجو داشتم، آدم کوشایی بود. هر جلسه یه دفتر پر از لغت‌های پیشرفته با خودش می‌آورد — utilize، commence، pivotal، paramount. لغت‌ها رو بلد بود. ولی هر بار که می‌نوشت، حداقل یکیشون رو به اشتباه به کار می‌برد و کل جمله رو می‌شکوند. کاری که داری انجام می‌دی، اونو نیست که برات نمره بیاره. این‌جوری، با استفاده از لغت‌های پیشرفته در جای غلط و به شکل غلط، بیشتر داری نمره از دست می‌دی.

examiner چهار تا box داره. اول Range — سعی می‌کنی چند تا کلمه متفاوت به کار ببری. همیشه متنوع نوشتن به تکراری نوشتن برتری داره. دوم Accuracy — کلمه درست، املاي درست، word class درست، collocation درست. سوم register Appropriacy — جوهره؟ آکادمیک تو Task 2، محاوره‌ای تو Speaking. چهارم Flexibility — paraphrase، کلمه less-common که طبیعی نشده باشه.

هیچ‌کدوم این چهار تا «تعدادِ لغتی که حفظ کردی» نیست. کلمه‌ی پیشرفته باید در جای درست قرار بگیره تا برات بتونه نمره بیاره. کلمه‌ی پیشرفته رو اگه در جای غلط به کار ببری، بیشتر باعث میشه نمره از دست بدی. و این یعنی range و accuracy یه حاصل‌ضربن، نه یه جمع — یه کلمه پیشرفته‌ای که غلط به کار بردی، نمره ازت می‌گیره. کسر می‌کنه.

FIGURE 02 — THE FOUR LR CRITERIA



چهار box ی که با هم می‌شن یه نمره. Flexibility همون در Band 7 ه: کلمه less-common، طبیعی نشده — نه با اهرم زور توش.

و کجای band descriptor می‌نشیند؟ Band 5 دایره محدود برای موضوع آشنا. Band 6 کافی، با تلاش برای کلمه less-common که اغلب بد می‌نشیند. Band 7 رنج کافی، با آگاهی از style و Band 8 collocation. رنج پهن، استفاده ماهرانه. هر پله به قدم بالاتر، تنوع بیشتر، طبیعی‌تر.

FIGURE 03 — LEXIS BY BAND



نردبان band: هر پله، تنوع بیشتر استفاده شده به شکل طبیعی‌تر. کلیدواژه Band 7 به چیزه — naturally.

Range ضربدر Accuracy، نه جمع

رنج بالایی که بی‌دقت به کار ببری، اصلاً ارزش ندارد. دقت خیلی وسواس‌گونه‌ای که رنج لغت خیلی پایینی داشته باشه هم به درد نمی‌خوره. هر کدوم رعایت نکنی، نمره از دست می‌دی.

بذار به تصویر ذهنی برات بسازم. دو تا محور بکش. عمودی Accuracy — هر چند بار کلمه‌ها درست درمیان. افقی Range — چند تا کلمه متفاوت سراغشون می‌ری. حالا چهار تا خونه داری.

پایین-چپ، هر دو پایین: Band 5 — چند تا کلمه با کلی خطا. بالا-چپ، دقت بالا رنج پایین: Band 6 — کسل‌کننده — «good» هشت بار، همه‌ش درست، ولی یکنواخت. پایین-راست، رنج بالا دقت پایین: Band 6 — شلخته — کلمه fancy، همه‌ش شکسته. فقط بالا-راست، هر دو بالا، می‌شه Band 7+.

و حالا قسمت سخت ماجرا برای ما. بیشتر دانشجویایی که باهاشون برخورد داشتم دقیقاً تو همون خونه Band 6 — شلخته نشستن — کلمه نادر بلدن، partnerش رو نه. حرکت ارزون اینه که به tier بیای پایین: کلمه mid-frequency رو با collocationش صاحب شو، و دست از reach کردن بردار. این تفاوت، همون چیزیه که باعث میشه تو رایتینگ تسک 2 نمره بیاری.

FIGURE 04 — RANGE × ACCURACY



چهار خونه. خونه پیش فرض بیشتر ما، Band 6 — شلخته ست — کلمه نادر، partner شکسته. حرکت ارزون: به tier بیا پایین و collocation رو صاحب شو.

collocation: تلاشت رو بکن به عبارت بسازی، نه صرفاً به کلمه پیشرفته

«make a decision»، نه «heavy rain». «do a decision». اسم رو ترجمه می‌کنی، partner رو حدس می‌زنی — و partner تقریباً همیشه غلط درمیاد.

اینجا به حرف خاص با تو که فارسی‌زبونی دارم. زبان ما معنی رو با فعل سبک می‌سازه — به اسم به علاوه فعل کلی مثل «کردن / دادن / گرفتن». «تصمیم گرفتن»، «ریسک کردن». ساختار توی فارسی built-in ه و طبیعی. ولی collocation انگلیسی دلبخواهی — هیچ منطقی نداره چرا «make a decision» ولی «take a risk». پس وقتی اسم رو ترجمه می‌کنی و part نرشی رو از فارسی حدس می‌زنی، به «do a decision» و «strong rain» می‌رسی — و این انگلیسی نادرسته.

چاره ساده‌ست، ولی عادتی. اسم رو هیچ وقت تنها حفظ نکن. هر اسم رو با فامیل‌های کناریش حفظ کن. «make a decision»، «take a risk»، «pay attention to» رو به عنوانِ به عبارت کامل ذخیره کن — به عبارت در هر صفحه، نه اسم لخت.

+BAND 7 ✓

"We must make an important decision about the heavy rain and pay attention to the problem."

همون کلمه‌ها، همون سطح سختی — فقط
partnerها درست نشستن. این تفاوت یه نیم
نمره‌س. کلمه‌ی پیچیده‌تری لازم نیست به کار ببری.

BAND 6 ✗

"We must do an important decision about the strong rain and pay attention on the problem."

سه تا partner شکسته تو یه جمله — «do a»
«decision»، «strong rain»، «pay attention on»
همه از فارسی حدس زده شدن. examiner accuracy
رو می‌بره.

FIGURE 05 — WORDS TRAVEL TOGETHER

decision	NOUN decision	decision ✓ a decision ✗
rain	NOUN rain	heavy rain ✓ hard rain ✗
pay attention on	NOUN attention	attention ✓ attention on ✗

LEARN THE NOUN + ITS COMPANY · NEVER ALONE

هر اسم با partnerهای مشخص خودش سفر می‌کنه. اسم رو با لغت‌های نزدیک بهش یاد بگیر — این می‌شه
واژگان. یه عادت کوچیک: هر کلمه جدید رو با عبارتی که توش دیدیش بنویس، نه تنها. سه ثانیه می‌گیره، یه
نصف نمره نگه می‌داره.

یه کلمه معمولی کامل نشسته، از یه کلمه نادر شکسته می‌بره. دونستن کلمه نادر صفر می‌ارزه اگه نتونی تمیز
deploy کنی.

چهار stage تسلط به یه کلمه

یه کلمه رو ببینی یه چیزه. این که بتونی زیر فشار تو Speaking تولیدش کنی، یه داستان
کاملاً متفاوت. Band 7 سر stage چهار زندگی می‌کنه.

اجازه بده این 4 تا مرحله رو قدم به قدم برات تشریح کنم. stage یک: Seen — یه بار دیدیش. بیشتر کلمه‌های دفت‌رت همین‌جان، و توی آزمون واقعی عملاً به هیچ دردی نمی‌خورن. stage دو: Recognize — رو کاغذ می‌خونیش و می‌فهمیش. بیشتر بچه‌ها همین‌جا می‌ایستن، و این روی Lexical Resource صفر می‌گیره. stage سه: Use in writing — توی چهل دقیقه وقت، می‌تونی یواش یواش از ذهنت بکشی‌شون بیرون و روی برگه امتحان بیاری، این سطح از تسلط لغت بیشتر توی رایتینگ به درد می‌خوره. stage چهار: Deploy in speaking — زیر فشار تولیدش می‌کنی، بدون هیچ زمانی برای فکر.

این قیف، خیلی سریع‌تر از چیزی که به نظر میاد تنگ میشه. بیشتر بچه‌ها سر stage دو گیر می‌کنن — کلی کلمه می‌شناسن، هیچ‌کدوم رو نمی‌تونن زیر فشار به کار ببرن. Band 7 پایین قیفه، جایی که کلمه از ذهنت بیرون میاد بدون اینکه وقت داشته باشی روش فکر کنی. این رو هم تو اسپیکینگ می‌بینی، هم تو لیسنینگ که بازشناسی سریع لازمه.

یه test ساده: اگه می‌تونی یه کلمه رو تو یه essay زمان‌دار بنویسی ولی تو امتحان Speaking نمی‌تونی بگی‌ش، هنوز به اندازه کافی روش سوار نیستی و ملکه ذهنت نشده. Speaking مدرک مالکیته — اونجا هیچ وقت فکری نیست.

FIGURE 06 — FOUR STAGES OF OWNING A WORD



قیف از Seen تا Deploy تنگ می‌شه. بیشتر بچه‌ها سر Recognize می‌ایستن. Speaking مدرک مالکیته — اونجا هیچ وقت فکری نیست.

سه بازنویسی ایرانی — Band 6 به ۷

«utilize» می‌شه «commence». «use» می‌شه «pivotal». «begin» می‌شه «crucial» — و حالا سر جای word class درست. سه افت کوچیک تو fancy بودن، سه جهش تو accuracy.

این الگوی reach-and-miss رو هزار بار دیدم. دانشجو سراغ کلمه Band-9 می‌ره و word class یا collocation رو اشتباه استفاده می‌کنه — «the pivotal of education» یا «perpetrate degradation». این مدل خطاها باعث میشه نمره accuracy رو از دست بدی، پس تلاشِ fancy از نسخه ساده درست پایین‌تر نمره می‌گیره. قانون ساده‌ست: اگه نمی‌تونی کلمه نادر رو تمیز deploy کنی، به جاش کلمه معمولی استفاده کن ولی درست به کار ببرشون. «Education is very important» از «The pivotal of education is paramount» بالاتره.

یه چیز دیگه هم اینجا هست — register. slang نذار تو Task 2، کلمه کتابیِ over-formal نذار تو Speaking. Appropriacy جزو همین criterion ه، پس عدم تطابق جریمه می‌شه حتی وقتی کلمه «درست» باشه. register رو با surface جور کن: آکادمیکِ less-common. طبیعی تو Task 2، دقتِ محاوره‌ایِ روشن تو Speaking Part 1.

FIGURE 07 — THREE IRANIAN REWRITES

STUDENT only	X	"We need to use the solution carefully."	SCORED ✓	
STUDENT at 10"	X	"The meeting will begin at 10"	SCORED ✓	
STUDENT clear	X	"Health plays a crucial role in society."	SCORED ✓	

سه افِتِ کوچیک تو fancy بودن، سه جهش تو accuracy. اثرِ خالص: یه نصف نمره. اگه نمی‌تونی نادر رو تمیز deploy کنی، معمولی دقیق رو بذار.

پنج تا اشتباه پرتکرار و اون یه عادت

هر پنج تای این اشتباه‌های پرتکرار یه ریشه دارن: «اندازه» رو با «استفاده» اشتباه گرفتن. هرکدوم از این اشتباه‌ها باعث میشه یه نیم نمره‌ی بی‌خودی از دست بدی.

اجازه بده هر پنج تاش رو برات توضیح بدم. یک: synonym swap بدون چک‌کردنِ collocation — مترادف رو جایگزین می‌کنی، partner رو نه. دو: lexis رو «اندازه دایره لغت» دیدن — همون reflex لیست. سه: register mixing — slang تو Task 2، کلمه کتابی تو Speaking. چهار: prompt-echo به جای paraphrase — کلمه سوال رو تکرار می‌کنی، و این کار باعث میشه به اگزمینر سیگنال ضعیف بودن رنج لغات رو بفرسته. پنج: reach-and-miss — سراغ کلمه Band-9 می‌ری و نمره accuracy رو از دست می‌دی.

پنج تا surface هم هست که همین box روشن نمره می‌گیره: Speaking P1 کلمه معمولی دقیق، P2 رنج زیر فشار، P3 انتزاعی به‌علاوه Writing T1، paraphrase فعل دقیق، T2 register، chart، آکادمیک less-common. طبیعی. به criterion، پنج جای متفاوت.

و حالا اون یه عادت که جلوی تکرار شدن این مشکلات رو می‌گیره. «حفظ کلمه» رو با «جمع کردن collocation» عوض کن. دفعه بعد که یه کلمه جدید دیدی، عبارتی که توش اومده رو بنویس، نه کلمه تنها رو. یه عادت. شش ماه. نمره متفاوت.

بذار رک باشم و رویافروشی نکنم: صاحب شدن کلمه mid-frequency ماه‌ها کاره، نه هفته‌ها. داری راحتی بزرگ کردن یه لیست رو با سختی به کار بردن اون کلمه عوض می‌کنی. سخته و زمان‌بر، ولی ارزشمند. درست کردن یه لیست بلند و بالا از لغات راحت‌تره، ولی استفاده‌ی درست از اونهاست که برات نمره میاره، نه صرفاً لیست کردنشون. به نظر من راه سخته رو انتخاب کن. ارزششو داره.

- هفته‌ای پنج اسم معمولی انتخاب کن — decision, problem, attention, risk, role.
- برای هر کدوم سه تا collocation طبیعی بنویس — می‌شه پونزده عبارت تو یه هفته.
- عبارت‌ها رو بلندبلند تکرار کن، بنویسشون، املاشونو یاد بگیر. سعی کن باهاشون جمله بسازی. چه شفاهی چه کتبی. هر دوش رو انجام بده.
- درس بعدی Range ه — اونجا یاد می‌گیری چطور دایره لغات رو گسترش بدی، بی‌اینکه به همین reach-and-miss برگردی.

خودت رو امتحان کن

پنج تا سوال، تا ببینی واقعاً «دقت به‌جای نادری» دستت اومده یا فقط خوندیش.

Q 1

Which sentence scores higher on Lexical Resource?

"The pivotal of education is paramount."

✓"Education is very important."

"Education is a pivotal of paramount."

"Education is very important."

جمله ساده‌تر برنده‌ست. اون دو تای دیگه هم word class رو می‌شکنن هم collocation — «pivotal» صفت، نه اسم. یه کلمه نادرِ بداستفاده‌شده، نمرهٔ accuracy رو می‌بره؛ دقت از نادری می‌بره.

Q 2

Which sentence reaches Band 7 on Lexical Resource?

"Vehicular emissions perpetrate substantial environmental degradation."

✓"Cars cause heavy pollution in big cities."

"Automobiles propagate atmospheric pollution heavily."

"Cars cause heavy pollution in big cities."

«heavy pollution» یه collocation طبیعی؛ «perpetrate degradation» و «propagate pollution» سوپِ collocation ن. کلمهٔ بزرگ‌تر اینجا فقط داره accuracy رو می‌بازه — از naturalness یا fancy بودن می‌بره.

Q3

چهار چیزی که examiner زیر Lexical Resource اندازه می‌گیرد رو از حفظ بگو، و اون یه چیزی که اندازه نمی‌گیره.

Range, Accuracy, Appropriacy, Flexibility — never raw "vocabulary size."

اندازه می‌گیره: Range (تنوع)، Accuracy (دقت)، Flexibility، Appropriacy (register)، paraphrase، کلمه-less-common به شکل طبیعی). اندازه نمی‌گیره: «اندازه دایره لغت». کلمه درست سر جای درست می‌بره؛ کلمه بزرگ سر جای غلط می‌بازه.

Q4

collocation طبیعی (verb / adjective / preposition) رو برای هر کدوم بنویس: a decision، ____، ____ a risk، pay attention ____، ____ rain

make a decision · take a risk · pay attention TO · heavy rain.

make a decision · take a risk · pay attention TO · heavy rain. هیچ کدوم رو از فارسی حدس نزن — انگلیسی partnerش رو دلبخواهی انتخاب می‌کنه، پس کلمه رو با شرکتش حفظ کن، نه تنها.

Q5

از چهار stage صاحب شدن یه کلمه، Band 7 کجا زندگی می‌کنه و چرا اون stage از همه سخت‌تره؟

Stage 4 — Deploy in speaking, under pressure, with no thinking time.

stage چهار — Deploy in speaking: تولید کلمه زیر فشار، بدون وقت فکر. بیشتر بچه‌ها سر stage دو (recognize) می‌ایستن؛ Speaking مدرک مالکیت، چون اونجا هیچ زمانی برای فکر کردن نیست. اگه می‌تونن تو یه essay زمان دار بنویسین ولی تو Speaking نمی‌تونن بگیش، هنوز صاحبش نیستی.

مرور سریع

examiner دقت رو نمره می‌ده، نه نادری رو: partnerهای کلمه‌هایی که داری رو صاحب شو، register رو جور کن، و زیر فشار deploy کن.

paper ۲

Speaking + Writing. هر کدوم یه چهارمِ نمرهٔ بخش — روی یه نصفِ نمره‌ی کامل.

box ۴

Range · Accuracy · Appropriacy · Flexibility. هیچ‌کدوم «اندازه» نیست.

Range × Accuracy

حاصل‌ضربن، نه جمع. هر کدوم صفر بشه، band می‌ره. هر دو لازمه.

Band 7 line

partner». less-common words used naturally درست، register درست، بدونِ زورِ اهرم.

surface ۵

P1 · P2 · P3 + T1 · T2. هر پنج‌جا با همین box نمره می‌گیره.

leak ۵

reach+miss · prompt echo · register mix · size=score · synonym swap — همه «اندازه» به‌جای استفاده».

هفته‌ای پنج اسم معمولی بردار — decision, problem, attention, risk, role — و برای هر کدوم سه تا. collocation طبیعی بنویس. partner، نه کلمهٔ نادر.
اگه خواستی یه نفر مستقیم نگاهی به کارت بندازه، یه جلسه‌ی مشاوره بردار.

فرهاد میرسعیدی ●

Instagram

برای جلسه‌ی مشاوره، [اینجا کلیک کن](#).